

## سال حزبی در دزفول به روایت اسناد

● غلامرضا درکتابیان

۷۹

وقایع و اتفاقات (ملی شدن صنعت نفت، تشکیل حزب زحمتکشان و نزاع‌های داخلی دزفول) سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ دزفول در نزد مردم این شهر به «سال حزبی» معروف است. در سال حزبی، نزاع سنتی حیدری و نعمتی در دزفول به شکل دیگری نمود پیدا کرد و آن تبدیل شهر به دو منطقه بود. یک منطقه، محل و مأوای خوانین (صحرا بدر مشرقی) و منطقه دیگر ساکنین محلات ساحل رودخانه بود. این دو قشر در دودستگی از نوع جدید سیاسی زمان در مقابل هم قرار گرفتند و در اوج جریان ملی شدن صنعت نفت به جنگ و ستیز روزانه، دستبردها و ترورهای شبانه پرداخته با ایجاد راه‌پندان‌ها، تظاهرات و سر دادن شعارها و اهتمام به جنگ و خونریزی، محیطی ناامن به وجود آورده بودند که تا چند سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز ادامه داشت.

در این مقاله سعی شده وقایع و حوادث سال حزبی بر اساس اسناد موجود مورد بررسی قرار گیرد.

بعد از جنگ جهانی دوم با ایجاد فضای باز سیاسی، دکتر بقایی<sup>۱</sup> به همراه چند نفر دیگر «حزب زحمتکشان مردم ایران» را در سال ۱۳۲۸ در زمان نمایندگی دوره پانزدهم مجلس شورای ملی تأسیس کردند. دکتر سیدموسی گوشه‌گیر<sup>۲</sup> در زمان تحصیل در تهران با دکتر بقایی رهبر حزب زحمتکشان ایران آشنا شد و این آشنایی موجب شد که در سال ۱۳۳۰ شعبه‌ای از آن حزب توسط

دکتر گوشه‌گیر و غلامحسین شاه‌بزاز<sup>۳</sup> در دزفول تأسیس گردد. اعضای شورای مرکزی این شعبه از حزب، عبارت بودند از: نعمت‌الله کامران، غلامحسین عباسی، عبدالحمید غیاتی، محمدحسن بهروز، اللهیار طالبی و حسین جراح. این افراد حزب زحمتکشان را به منظور حمایت و خط‌دهی مبارزه مردم دزفول برای ملی شدن صنعت نفت تشکیل دادند.<sup>۴</sup>

حزب زحمتکشان به رهبری دکتر مظفر بقایی بیشترین هوادار را در دزفول و کرمان داشت.<sup>۵</sup> در واقع این اولین حرکت جدی و تشکیلاتی با اهداف سیاسی و اجتماعی بود که در شهر کوچکی چون دزفول به مدد مردی روشنفکر و تحصیل کرده صورت گرفت. دکتر گوشه‌گیر با نظام ارباب رعیتی در دزفول - در چارچوب فعالیتهای حزب زحمتکشان این شهر - به مبارزه پرداخت که در اثر این فعالیتهای، درگیری‌هایی بین طرفداران حزب که اکثریت مردم دزفول را تشکیل می‌دادند از یک سو و خوانین و طرفداران آنها که اقلیتی صاحب نفوذ بودند از سوی دیگر، رخ داد. لیدر حزب زحمتکشان دزفول از وضع زندگی فقیرانه قشر ضعیف جامعه آگاه بود و با همین آگاهی شروع به مبارزه‌ای بی‌امان با پشتوانه عظیم مردمی نمود.<sup>۶</sup>

در سال حزبی هواداران حزب در هر محله، قسمت نسبتاً مرتفع از یک دیوار را انتخاب کرده و به صورت سطحی مستطیل تابلو کرده با گچ صاف و سفید می‌کردند و شعارهای ضدامپریالیستی به خط درشت و خوانا می‌نوشتند. اغلب این شعارها به این صورت بود که دو مچ دست در طرفین راست و چپ و زنجیر پاره شده در وسط این دو مچ رسم می‌شد که بیانگر پاره شدن زنجیر استعمار بود.

ارگان رسمی حزب زحمتکشان روزنامه شاهد بود. این روزنامه که در آن دوران افشاگری‌ها کرده و سخنان تند و نیش‌دار به دولتمردان خودفروخته و دربار پهلوی می‌نوشت، طرفداران و خوانندگان زیادی در دزفول داشت، به طوری که بیشتر اوقات نایاب شده و از ۲ ریال به ۵۰ ریال خرید و فروش می‌شد.<sup>۷</sup>

البته حزب زحمتکشان دزفول نیز در این زمینه فعال بود و نشریه «فرید دزفول»<sup>۸</sup> را با سردبیری دکتر موسی گوشه‌گیر منتشر می‌کرد که بیش از ۳۰ شماره از این نشریه منتشر گردید.<sup>۹</sup> در مقابل نشریه «رکن ایران» به سردبیری عبدالمحمد رکنی غفوری از خوانین طرفداری می‌کرد.

در دوره کوتاه زمامداری دکتر مصدق (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) دزفول نیز از جمله شهرهایی بود که مردم آن با بلوغ سیاسی خود به یاری دکتر مصدق شتافته و کارکنان دولت و اصناف و سایر اقشار با کمک به دولت، آمادگی خود را برای اجرای منویات دولت دکتر مصدق اعلام کردند.<sup>۱۰</sup>

با تشکیل حزب زحمتکشان شهر دزفول از نظر سیاسی به دو منطقه تقسیم شد: یک قسمت

ساکنان محلات ساحل شرقی رودخانه از شمال تا جنوب شامل رودبند، سیاه‌پوشان، کرناسیان، کتکتان و محلات قلعه و صحرا بدر مغربی را زحمتکشان هوادار بقایی و جبهه ملی تشکیل می‌دادند و محلات صحرا بدر مشرقی، تحت نفوذ خوانین، طرفدار شاه و دربار بودند. در سالهای اوج ملی شدن صنعت نفت، محلات شهر در جنگ و ستیز روزانه و دستبردهای شبانه با ایجاد راه‌بندان و راه انداختن تظاهرات و سر دادن شعارها و به راه انداختن جنگ و خونریزی، محیطی ناامن در شهر به وجود آورده بودند.<sup>۱۱</sup>

در این درگیریها دو اصطلاح نیز برای دو طرف باب شده بود. زحمتکشان را می‌گفتند «بق» (یعنی طرفداران بقایی) که البته این کلمه توهین‌آمیز بود و حالت تحقیر داشت چرا که در لهجه محلی به قورباغه «بق» می‌گویند و برای طرفداران خوانین اصطلاح «حط» را به کار می‌بردند که به معنی یاهو‌گویی و بلوف زدن است.<sup>۱۲</sup>

در رأس خانواده‌های مالک و خوانین، خانواده قطب قرار داشتند که از نفوذ و قدرت محلی زیادی برخوردار بودند. این خانواده بر مقامات کشوری و انتظامی شهر نفوذ داشته و قدرت سیاسی بالایی در محل داشتند. خان دیگر دزفول که در محله قلعه ساکن بود، عنایت‌الله خان طهماسبی بود. بعد از این دو خانواده از خاندان‌های ملاک و سرشناس دزفول که در تاریخ و تحولات گذشته این شهر از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش داشتند، می‌توان به خاندان مستوفی و آصف اشاره کرد. این خانواده‌ها تا پیروزی انقلاب در مسند قدرت بودند و خود و فرزندان آنها به عنوان شورای شهر، شهردار و نماینده مجلس شورای ملی، شهر را در اختیار خود داشتند.<sup>۱۳</sup>

منطقه دزفول به جهت دارا بودن آب فراوان و خاک حاصلخیز یکی از مراکز مهم کشاورزی کشور محسوب شده و به همین جهت با زمین و زمینداری و بالتبع با نظام ارباب رعیتی سر و کار داشت. برخورداری از آب فراوان و خاک مناسب، دزفول را به سرزمین ثروتمندی تبدیل کرده بود اما اختلاف طبقاتی و استثمار مردم توسط خوانین باعث شده بود که مردم اکثراً فقیر و بی‌چیز بوده و این خودبخود زمینه مناسبی برای پیوستن اکثریت مردم شهر به حزب زحمتکشان بود که با شعارهای فریبنده و رنگین دکتر بقایی رهبر حزب و میتینگ‌های خیابانی موسی گوشه‌گیر لیبر شعبه دزفول توأم شده بود.<sup>۱۴</sup>

به این ترتیب وقتی که حزب کارش را در دزفول شروع کرد شرایط جوری شد که از هدف اصلی خود باز ماند و به بیراهه رفت و تبدیل به یک مبارزه خونین شد که یک عده افراد بی‌گناه کشته شدند.<sup>۱۵</sup> و دست ارادل و اوباش و غارتگران در غارت مغازه‌ها باز شد.

در بررسی روایات مردم دزفول آنچه مشخص است این است که عموم مردم در آن زمان

اهل پز و پرستیژ نبودند و مردمی بودند که ساده زندگی می‌کردند اما سالها پز و پرستیژ خانها و تحقیر مردم توسط خانها آنها را آزار داده بود و این جریان و وجود خوانین به عنوان یک طبقه سرمایه‌دار و متفاوت و قدرتمند، مردم را روز به روز حساس‌تر کرده و اسباب آزار آنها را فراهم می‌آورد.

خوی بزرگ منشی مردم دزفول از یک طرف و ظلم و تعدی خوانین از طرف دیگر باعث شده بود که مردم حوصله خوانین را نداشته و نتوانند آنها را تحمل کنند. از طرف دیگر حزب اهداف سیاسی خودش را دنبال می‌کرد اما مردم منتظر بهانه‌ای بودند و آماده برای فرصتی مناسب؛ فرصت پیش آمده البته تضعیف خوانین بود.<sup>۱۶</sup>

دکتر بقایی در سال ۱۳۳۰ جهت تبلیغات حزبی به استان خوزستان سفر کرد. ابتدا در شهر اهواز سخنرانی کرد. سپس به شوشتر رفت. در آن شهر استقبال پرشوری از وی شد. اما در سخنرانی وی که بوی تفرقه بین اهالی شهر از آن استشمام می‌شد، مردم بهت‌زده شدند که این شخص در شرایط کنونی کشور به جای اینکه از اتحاد و اتفاق سخن بگوید، تفرقه‌افکنی می‌کند. در وسط سخنرانی وی مرحوم حاج محمدعلی نمکی از تجار شوشتر، سخنان دکتر بقایی را قطع کرد و گفت: از جنابعالی ممنونیم که ما را از خودمان بهتر می‌شناسی ما تصور می‌کردیم که جامعه یکدست شوشتری و ایرانی هستیم و به وطن خود علاقه‌مند اما اکنون از شما می‌شنویم که در میان ما کسانی هستند که نوکر و مزدور انگلیس‌اند پس لطف کن و اینها را به ما نشان بده. دکتر ساکت ماند. سپس نمکی ادامه داد و گفت راه دزفول از این طرف است. دکتر بقایی هیچی نگفت و به طرف دزفول راه افتاد. در دزفول استقبال خوبی از وی شد و تعداد زیادی از مردم تا شهرک «سیاه منصور» به پیشواز او رفتند. در بین استقبال‌کنندگان مسئولین دولتی و سرشناسان شهر از جمله سیدکاظم قطب<sup>۱۷</sup> از خوانین و حسین عماد شهردار نیز حضور داشتند. دکتر بقایی به محض ورود به شهر به محل حزب واقع در میدان حاج مرادی رفت و در آنجا همان مطالبی را که در شوشتر گفته بود، بیان کرد.

اما در این جا نه تنها کسی صحبت‌های او را قطع نکرد و اعتراض ننمود بلکه با کف زدن وی را تشویق کردند. تفاوت این دو شهر در برابر سخنان دکتر بقایی در چه بود؟ با کمی تعمق می‌توان پی برد که مردم طبقات مختلف شوشتر حدود همدیگر را می‌شناختند اما در دزفول از سالها قبل قدرت محلی و نفوذ اجتماعی منحصراً در دست سیدکاظم قطب بود و سرشناسان و معتبرین دزفول انواع تحقیرها و بی‌اعتنایی‌ها را تحمل می‌کردند در حالی که منشأ همه آنها را سیدکاظم قطب می‌دانستند. همین باعث گرایش بیشتر مردم به حزب زحمتکشان شده بود.<sup>۱۸</sup>

حاج رجب زهری فر<sup>۱۹</sup> از فعالان حزب زحمتکشان دزفول در این مورد می‌گوید:

مرحوم دکتر بقایی وقتی از شوشتر وارد دزفول شد، مردم تا شهرک سیاه‌منصور در چند کیلومتری شهر به پیشواز او رفتند. مسئولین دولتی و سرشناسان شهر نیز جزء استقبال‌کنندگان بودند. وی بعد از ورود به شهر به دفتر حزب در میدان حاج مرادی رفت و بر علیه انگلیس و نوکران وی در ایران سخنرانی کرد. مردم وقتی که دیدند یک کسی آمده و علیه انگلیس و نوکرهای آنها سخن می‌گوید و حقایق را بیان می‌کند، استقبال بی‌نظیری نسبت به حزب کردند. اما آن عده از متنفذین محلی که منافعشان شدیداً به خطر افتاده بود به نخست‌وزیر تلگراف زدند که توده‌ای‌ها دور بقایی را گرفته و او را اغفال کرده‌اند.<sup>۲۰</sup>

گزارش‌های مختلف از طرف وزارت جنگ، استانداری و شهربانی حکایت از درگیری‌های حزب زحمتکشان و خوانین در دزفول دارد. اما بررسی این گزارشها بیانگر طرفداری تشکیلات کشوری و لشکری از یکی از طرفین درگیری بود که این جریان خود به خود عامل تنش و خشونت و کشته و زخمی شدن اهالی شهر شد. به طور مثال سرهنگ شهروز فرماندار نظامی و فرمانده پادگان، طرفدار حزب زحمتکشان و رئیس شهربانی و رئیس دادگاه، طرفدار خوانین بودند.

بر اساس اسناد موجود در وقایع سال حزبی دزفول هر دو طرف اوضاع آشفته را به همدیگر نسبت داده‌اند. در صورتی که افرادی فرصت‌طلب همیشه منتظر چنین جریانی بوده و مسلم است که کینه و بغض‌های شخصی را در این زمان خالی نموده و غارتگران و دزدان نیز به غارتگری می‌پرداختند. پس در واقع جریان به نفع هیچ‌کدام از گروه‌های متخاصم نیست و هر دو گروه با اعمال و رفتار خود زمینه را برای اشرار و مفسدان هموار نموده بودند. اما آنچه مسلم است و اسناد به خوبی گواه آن است اینکه خوانین بر مردم شهر حکومت کرده و در اثر این اقتدار به همه ادارات نفوذ می‌کردند و از ظلم و جور به مردم کوتاهی نمی‌کردند.

حزب زحمتکشان در مرکز اهداف سیاسی‌تری را دنبال می‌کرد اما مردم دزفول منتظر بهانه‌ای بودند که خوانین را تضعیف کنند و این نیاز را در شعارهای حزب زحمتکشان جسته به این طریق با عنوان این حزب با خوانین درگیر شدند.<sup>۲۱</sup>

در مقابل حزب زحمتکشان، خوانین ابتدا به عنوان «هواداران وطن» گروهی تشکیل دادند که طرفدار دربار بودند و علیه مردم فعالیت می‌کردند. این وضع ادامه داشت تا زمانی که بین سران نهضت ملی اختلاف افتاد و خوانین در مقابل حزب زحمتکشان، جمعیت طرفدار جبهه ملی را تشکیل داده و از حسین مکی نماینده آبادان در مجلس شورای ملی جهت سخنرانی در دزفول دعوت نمودند.<sup>۲۲</sup> حتی جمعی از آنها نزد آیت‌الله کاشانی رفته و خواهان حمایت آن بزرگوار

یکی از درگیریهای مهم بین حزب زحمتکشان و طرفداران جبهه ملی در دزفول در بعد از ظهر روز ۲۳ بهمن ۱۳۳۰ اتفاق افتاد. در این روز هواداران «جبهه ملی» و «حزب زحمتکشان» که دست به تظاهرات زده بودند، درگیر شده و فرماندار از پادگان تقاضای اعزام یک گروهان جهت کمک به شهربانی می‌نماید. سرانجام مأموران شهربانی دخالت کرده، چون مردم به یکی از افسران شهربانی فحاشی نمودند، افسر مذکور تحریک شده و با اسلحه کمری خود به طرف مردم تیراندازی کرد که در نتیجه این اقدام دو نفر به نام‌های عبدالحسین پناهی و عبده سقاء<sup>۲۴</sup> کشته و یک نفر زخمی شد.<sup>۲۵</sup>

بر طبق گزارش دبستان پهلوی دزفول ظهر پنج‌شنبه مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۲۴ عده‌ای از آموزگاران و دانش‌آموزان آن دبستان هنگام خروج از مدرسه مورد هجوم عده‌ای اوباش و چاقوکش قرار گرفتند. این عده که در حدود ۲۰۰ نفر بودند به این مدرسه و مدرسه دخترانه ایران‌دخت حمله کرده و تعدادی را مجروح نمودند. متعاقب این حادثه دکتر محمود حساسی وزیر فرهنگ وقت طی نامه‌ای به نخست‌وزیر درخواست رسیدگی به این وضع را نمود.<sup>۲۶</sup>

بر اساس گزارش مورخ ۳۱/۱/۱۲ شهربانی اهواز حدود ۲۰۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان دزفول در مقابل ساختمان استانداری اهواز تجمع کرده و اقدام به برپایی تظاهرات و ایراد سخنرانی‌هایی مبنی بر عدم امنیت در دزفول بر اثر حمله خوانین نمودند. یکی از سخنرانان این برنامه دکتر فرخی کرمانی از اعضای حزب زحمتکشان دزفول بود. وی پس از مذاکره با استاندار متقاعد نشده، به میان جمعیت آمده و از آنها خواست که به منظور پشتیبانی از دولت مصدق به تحصن و اعتصاب خود ادامه دهند.<sup>۲۷</sup>

همچنین اصناف دزفول در اعتراض به اقدامات خوانین در اداره پست و تلگراف تحصن کرده و در تلگرافی از دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی درخواست نمودند که از ادامه هرج و مرج و درگیری در دزفول جلوگیری شود. در پی این اقدام آیت‌الله سیدمجدالدین قاضی و آیت‌الله محمدعلی بیگدلی از روحانیون<sup>۲۸</sup> سرشناس دزفول به نمایندگی از متحصنین و عموم اهالی دزفول طی تلگرافی به آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق تقاضای تسریع در اعزام بازرس صالح و باکفایت برای رسیدگی به شکایات مردم نمودند.<sup>۲۹</sup> فرزند آیت‌الله کاشانی نیز در پاسخ به این درخواست، متحصنین را به آرامش و حفظ نظم فراخوانده و قول مساعد جهت ایجاد هماهنگی برای حل مشکل اهالی دادند.<sup>۳۰</sup>

آیت‌الله کاشانی دو نامه خطاب به اهالی دزفول یکی به دکتر سیدموسی گوشه‌گیر<sup>۳۱</sup> و دیگری به سیدکاظم قطب<sup>۳۲</sup> نوشت. محتوای دو نامه حکایت از تلاش آن بزرگوار برای تعقیب مفسده‌جویان و اخلال‌گران در نظم شهر و تأکید فراوان بر اتحاد و اتفاق و برادری و حمایت

و کمک به دولت دکتر مصدق - در شرایط آن زمان که استعمار انگلیس دستش از غارت منابع نفتی کشور کوتاه شده و تصمیم گرفته بود که ملت ایران را از طریق محاصره اقتصادی از پا درآورد - داشت.<sup>۳۳</sup>

حزب زحمتکشان دزفول در راستای فعالیت حزبی خود، پیشبرد اهداف حزب را در این می‌دید که مردم نواحی مختلف شهر به یک جبهه درآیند و رو در روی خوانین قرار گیرند. این بود که در نشستی که در یکی از تفریحگاههای شمال شهر (علی کله) با حضور سران دو محله مهم و بزرگ قلعه و سیاهپوشان که با هم رقابت و درگیری داشتند، پس از صلح و سلمی که بین آنها ایجاد گردید، قرار گذاشتند هر سال هنگام عزاداری سیدالشهداء در روز تاسوعا دسته‌های عزاداری ساکنین اولیه شهر یعنی قلعه به محله میهمان (سیاهپوشان) بروند و از ناحیه کرناسیان و ساکیان و سرمیدان به منزل خود برگردند و میهمانداران با ذبح گوسفند و شربت از میهمانان پذیرایی نمایند و در بعد از ظهر روز عاشورا دسته‌های عزاداری شمال شهر به قصد بازدید بعد از پیمودن خیابان اصلی (امام فعلی) از کنار میدان مثلث تا نزدیک پل قدیم راه افتاده و از کوچه احمد کور به قلعه رفته و از آنجا به خراطان و سرمیدان و ساکیان و کرناسیان راه طی کنند. لازم به ذکر است که این رسم از آن زمان تاکنون پابرجاست.<sup>۳۴</sup>

سرهنگ دولتشاهی معاون شهربانی اهواز در نامه‌ای به استاندار استان ششم (خوزستان) به جریان درگیریها در دزفول پرداخته و با اشاره به وقایع سال حزبی دزفول می‌نویسد: «با نزدیک شدن انتخابات مجلس شورای ملی و تبلیغات برای کاندیدای موردنظر هر طرف، درگیریها شدیدتر شده و خوانین از جمله کاظم قطب، عنایت‌الله طهماسبی، جعفرخان سهرابی و هواداران آنها برای نمایندگی فرهودی تلاش می‌کنند چرا که فرهودی شخص مناسبی برای پیشبرد اهداف خوانین بود از طرف دیگر حزب زحمتکشان که جمعی از کسبه بازار هم جزء آنها هستند با تبلیغ برای انتخاب دکتر گوشه‌گیر قصد دارند برای سرکوبی خوانین که عمری بر آنها آقایی داشته‌اند، اقدام کنند.»

وی در قسمت انتهایی این نامه پیشنهاد می‌کند که برای بازگرداندن نظم و امنیت به شهر وجود یک فرماندار مقتدر که تمام قوای نظامی و انتظامی از جمله ارتش، شهربانی و ژاندارمری را تحت تسلط کامل خود داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد.<sup>۳۵</sup>

گزارش‌های شهربانی حکایت از درگیری‌های میان هواداران خوانین و حزب زحمتکشان دارد. از جمله این گزارش‌ها می‌توان به حمله به خودرو دکتر گوشه‌گیر هنگامی که از اهواز به دزفول می‌آمد، اشاره کرد. ظاهراً این افراد هواداران خوانین بودند که قصد داشتند لیدر حزب زحمتکشان دزفول را به قتل برسانند.<sup>۳۶</sup>



در گزارش دیگری آمده که جمعیت کثیری از افراد حزب زحمتکشان از درب و پشت‌بام منزل یکی از خوانین سرشناس دزفول (مرتضی‌خان رشیدیان) به منزل وی رفته و پس از تخریب و تاراج اثاثیه منزل، صاحب‌خانه را شدیداً مجروح کردند.<sup>۳۷</sup>

اوج درگیری‌های سال حزبی در دزفول روز ۲۷ فروردین بود که «روز آزادی» نام گرفت. در این روز از طرف ملاکین، خوانین و طرفدارانشان در محله‌های صحرا بیدر مشرقی و مغربی و محله مسجد، عده‌ای به طرف میدان مثلث به راه می‌افتند تا میتینگ برپا کنند. افراد حزب نیز که بر روی پشت‌بامها سنگر گرفته و آماده شدند که در صورت درگیری از خود دفاع کنند، ناگهان از بالای پشت‌بام‌ها شروع به پرتاب سنگ کردند. هواداران خوانین نیز شروع به عقب‌نشینی کرده و به دنبال آن حزبی‌ها به تعقیب افراد خوانین پرداختند.

در این موقع تفنگداران خوانین ترسیده و به طرف جمعیت شلیک کرده و یک نفر را کشتند. حزبی‌ها نیز در پاسخ به این اقدام یکی از هواداران خوانین را به طرز فجیعی به قتل رساندند. سپس نیروهای نظامی و انتظامی وارد عمل شده و ۴۹ نفر از اعضا و هواداران هر دو طرف را دستگیر کردند.

در این حادثه ۴۹ نفر از جمله غلامحسین مستوفی از خوانین که بعد از کودتا رئیس انجمن شهر شد و سیدعلی کمالی به عنوان محرک و مباشر جرم متهم شناخته شدند. برای افراد شاخص و عوامل درگیری پرونده تشکیل شد. برای هفت نفر از اعضای هیأت رئیسه حزب زحمتکشان و برگزارکنندگان میتینگ هواداران خوانین یعنی سیدعلی کمالی و غلامحسین مستوفی و چند نفر دیگر از افراد حزب زحمتکشان از جمله دکتر موسی گوشه‌گیر تقاضای اعدام شد و برای عده‌ای دیگر که جرم کمتری داشتند و در منازعات شرکت کرده بودند، سه سال زندانی در نظر گرفته شد اما این احکام اجرا نشد و کسی اعدام نگردید. برای غلامحسین شاه بزاز و سیدعلی کمالی شش ماه زندانی در نظر گرفته شد و بقیه افراد نیز تبرئه گردیدند.<sup>۳۸</sup>

بعد از چهلم کشته‌شدگان این واقعه مردم دزفول طوماری با بیش از ۸۰۰ امضا نوشته و آزادی دکتر گوشه‌گیر و سایر زندانیان، تعقیب و مجازات فوری مسببین کشتار روز ۲۷ فروردین، رفع مزاحمت از مردم بی‌گناه و تعویض رئیس دادگاه (که با اقدامات خود سبب برهم زدن نظم شهر و اخلال در آرامش شده بود) را خواستار شدند. در پایان این طومار آمده در صورتی که به این درخواست‌ها ترتیب اثر داده نشود، از طریق اعتصاب عمومی مظلومیت خود را به ملت ایران و تمام جهانیان اعلام خواهیم نمود.<sup>۳۹</sup>

علاوه بر دو قدرت متخاصم در دزفول (زحمتکشان و خوانین) در همان دوران ملی شدن صنعت نفت، احزاب سیاسی دیگری نیز پا گرفتند که از جمله این احزاب، «سومکا»<sup>۴۰</sup> و «پان



سال حزبی در دزفول به روایت اسناد

ایرانیسم» بودند اما این احزاب به دلیل مذهبی بودن مردم شهر، طرفداران چندانی پیدا نکردند.<sup>۴۱</sup> پس از جریان کودتا زمانی که شاه بر اوضاع مسلط شد، خوانین، فئودال‌ها، مالکین و به طور کلی آغاوات<sup>۴۲</sup> دزفول ظاهراً پیروز شدند و نظام ارباب رعیتی خود را ادامه داده و نمایندگان فرمایشی این خانواده‌ها به نام وکلای مردم دزفول به مجلس شورای ملی راه یافتند که دو نفر از آنها کریم‌خان طهماسبی فرزند عنایت‌الله خان و کریم‌خان آصف بودند. شخص اخیر تا پیروزی انقلاب اسلامی نماینده مردم دزفول بود.<sup>۴۳</sup>

### نتیجه‌گیری

در سال حزبی تعداد زیادی از مردم به علت عدم وجود امنیت از شهر و دیار خود به شهرهای دیگر مهاجرت کردند. در آن سال عدم اتحاد و انسجام مردم و درگیریهایی بین جناح‌های مخالف باعث ایجاد هرج و مرج و زمینه مناسب جهت اراذل و اوباش و غارتگران اموال مغازه‌ها و منازل و اصناف و مردم و مهمتر از آن انتقام‌کشی از همدیگر را به وجود آورد. چرا که بر اساس اسناد موجود در این سال هر کسی کینه‌ای از دیگری داشت درصدد انتقام برمی‌آمد و اغراض شخصی و تصفیه حساب‌هایی که از سالها پیش مانده بود، فرصت مناسبی برای بروز و ظهور پیدا کرد. در آن سال انهار لایروبی نشد و بلااستفاده ماند و در نتیجه کشاورزی رونق خود را از دست داد و به عمران و آبادی شهر نیز لطمات شدیدی وارد شد. به طوری که تا ۲۰ سال بعد آثار خرابی‌ها وجود داشت.

آنچه مسلم است جریان‌های حیدری - نعمتی، حزبی و خطی و...، همه و همه دودستگی‌هایی بودند که شهر دزفول را در ادوار مختلف تاریخی به دو نیمه تقسیم کرده و پیوسته مردم را به جان هم انداخته‌اند. همیشه یک بهانه لازم بود تا شهر به دو دسته تقسیم شود. گاه مسائل فکری، گاه اعتقادی، گاه تجددطلبی، گاهی فرقه‌گرایی مذهبی و گاه به بهانه سیاست، آزادی، احزاب و... آری هر روز استعمار باید مردم را به دلیلی مشغول کند و خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. چنانکه در آن سال بعد از شکست دکتر مصدق در اثر کودتا، دوباره حکومت اختناق حاکم شد و استعمار انگلستان به سلطه خود در ایران و چپاول منابع نفتی ادامه داد.

به طور کلی می‌توان گفت جنگ حزب بیشتر جنگ عقیده و نزاع بین اشرافیت و مردم، نبرد پابرهنگی و استکبار، نبرد علم بدون پول و ثروت جاهلانه بود که اگر با ژرف‌اندیشی و منصفانه به این جریان بنگریم، هیچ‌کس را نباید مقصر دانست چرا که هرکس بسته به نوع تربیت و خانواده خویش، نوعی تفکر را دنبال می‌کرد که این تفکرها منجر به جریان حزب شد. در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که وحدت و همدلی مردم در تغییرات اساسی

و بنیادی و تعیین سرنوشت توسط خودشان حرف اول را می‌زند اما دودستگی، نفاق، تفرقه، بخل و کینه و دشمنی در ازمنه مختلف، ملت را عقب نگاهداشته است.

### پانوشتها

۱- دکتر مظفر بقایی کرمانی (۱۳۳۶-۱۲۹۰) یکی از بحث‌انگیزترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور ۲۰، مظفر بقایی راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافت و ابتدا به عضویت حزب اتحاد ملی و مدتی بعد به عضویت حزب کار درآمد، سپس عضو حزب دمکرات ایران شد و در آنجا به سرعت رشد کرد و به عنوان کاندیدای این حزب از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. در دوره دکتر مصدق، بقایی خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی مطرح کرد. در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۰، بقایی به کمک خلیل ملکی از رهبران حزب توده ایران «حزب زحمتکشان ایران» را تأسیس کرد و توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذ کند. این حزب نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود و باعث شد بقایی با مصدق درگیر شود. این درگیری به جایی رسید که در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد نیروهای دکتر مظفر بقایی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. حتی آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا، بقایی را یکی از رهبران «قیام ملی» علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند.

۲- سیدموسی گوشه‌گیر فرزند اسدالله از خاندان جلیل‌القدر سادات گوشه بود که در سال ۱۳۰۰ش در دزفول متولد شد. تحصیلات خود را در دزفول، اهواز و مدرسه دارالفنون گذراند. در سال ۱۳۲۹ با درجه دکتری فارغ‌التحصیل و در دزفول به عنوان پزشک عمومی مشغول طبابت شد. در هنگام تحصیل با حزب توده همکاری داشت. در سال ۱۳۳۰ با دکتر مظفر بقایی آشنا شد. وی مؤسس حزب زحمتکشان شعبه دزفول و صاحب امتیاز نشریه «فرید» بود. دکتر گوشه‌گیر را بعدها «صیف البقایی» لقب دادند چرا که غیر از تصدی شاخه دزفول، فرد مؤثری در حزب بود (روحانی مبارز آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، مرداد ۷۹، ص ۶۴۷؛ رادفر، محمدرضا و عظیم محمودزاده، سال حزبی، دزفول در ملی شدن صنعت نفت، دزفول، افهام، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

۳- غلامحسین شاه‌باز از شخصیت‌های بانفوذ حزب زحمتکشان دزفول و به عبارتی معاون این شعبه بود. وی تاجری بازاری و جوان بود که از عزت و احترام زیادی در بین مردم دزفول برخوردار بود.

۴- سال حزبی، ص ۹۹؛ تصویر شم ۱.

۵- همان، ص ۵۱.

۶- همان، ص ۱۱۰.

۷- همان، ص ۵۴.

۸- تصویر شم ۲.

۹- غفاری، غفار، یادگار من (تاریخ سیاسی اجتماعی دزفول)، دزفول، افهام، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰.

۱۰- سال حزبی، ص ۳۵؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شم ۱-۳۵۹-۱۰-۲۹۰.

۱۱- سال حزبی، ص ۴۴.

۱۲- همان، ص ۶۱.

۱۳- همان، ص ۴۵.

۱۴- همان، صص ۸۵-۸۴.

- ۱۵- در این درگیریها ۸ نفر کشته و تعدادی مجروح شدند. برخی از این افراد در درگیری با پلیس و برخی نیز توسط طرفداران طرفین درگیری و یا اراذل و اوباش کشته شدند.
- ۱۶- سال حزبی، صص ۸۸-۸۶.
- ۱۷- سیدمحمدکاظم قطب فرزند سیدعبدالحسین قطب بعد از فوت پدر جانشین وی شد. زمینهای کشاورزی و مالکیت بخش وسیعی از زمینهای پدرش به عهده وی سپرده شد. نفوذ سیاسی وی نزد رجال سیاسی و مالکان و مسئولین شهری از مهمترین نشانههای شخصیتی وی بود.
- پسر خان بود و امکانات تحصیل، وضع خوب زندگی، گردشها و مسافرتهاى خارج از کشور، آمد و شد با بزرگان و رجال سیاسی او را مردی فهمیده و زیرک و سیاسی بار آورده بود. وی خیلی از امور شهر را به واسطه ملاک بودن اداره می کرد و جزء طبقه حاکم محسوب می شد. (سال حزبی، ص ۸۳).
- ۱۸- یادگار من، صص ۱۵۶-۱۵۴.
- ۱۹- رجبعلی زهری فر معروف به رجب شپل از افرادی بود که در محلات مختلف بین مردم نفوذ داشته و به نفع حزب فعالیت می کرد. وی که از اعضای فعال حزب بود در خیابان پهلوی (امام خمینی) خیاطخانهای داشت و در مراسم مختلف مذهبی و ملی اعم از سوگواریها و جشنها با افراشتن پرچم و نصب شعار نوشته به درب مغازه خود و عرض خیابان فعالیت می کرد.
- ۲۰- مصاحبه نگارنده با حاج رجب زهری فر، دزفول، ۱۳۸۵/۱/۹.
- ۲۱- یادگار من، ص ۱۵۰.
- ۲۲- مصاحبه نگارنده با حاج رجب زهری فر.
- ۲۳- تصویر شم ۳.
- ۲۴- مرگ عبده سقاء با گلوله مأمور شهربانی ضربالمثل مشهوری را در دزفول رایج نمود. این ضربالمثل به فارسی به این مضمون بود که «از آنها بخور که عبده سقا خورد».
- ۲۵- سند شم ۱.
- ۲۶- سند شم ۲.
- ۲۷- سند شم ۳.
- ۲۸- روحانیت دزفول به جز سیدمجدالدین قاضی و شیخ محمدعلی بیگدلی که از مردمی که در آن زمان در برابر ظلم خوانین به صف حزب زحمتکشان درآمده بودند حمایت می کردند، بقیه چهره‌های مذهبی شهر در این جریان به عنوان یک جریان سیاسی وارد نشده و با عدم تمایل به دخالت در مسائل سیاسی هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند.
- ۲۹- سند شم ۴.
- ۳۰- سند شم ۵.
- ۳۱- سند شم ۶.
- ۳۲- سند شم ۷.
- ۳۳- م. دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیت‌الله کاشانی از مهرماه ۱۳۳۰ تا قیام ملی سی‌ام تیر، ج ۲، تهران، آشنا، ۱۳۳۱، صص ۱۴۰ و ۱۳۶.
- ۳۴- یادگار من، همان، ص ۲۱۰.
- ۳۵- سند شم ۸.
- ۳۶- سند شم ۹.
- ۳۷- سند شم ۱۰.
- ۳۸- سند شم ۱۱.
- ۳۹- سند شم ۱۲.
- ۴۰- از احزاب دیگری که در آن زمان در دزفول فعالیت داشتند حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) بود که عنایت‌الله‌خان طهماسبی شعبه‌ای از آن را در دزفول تأسیس کرد. او منزلی سه کوچه پایین‌تر از بانک ملی واقع در خیابان پهلوی [امام خمینی] اجاره کرد و آن را محل دفتر حزب نمود. (سال حزبی، ص ۹۶).

## مضموناه مطالعات تاریخ

- ۴۱- سال حزبی، ص ۶۲.  
۴۲- آغا به معنی خان است و جمع آن نیز آغاوات یعنی خوانین می‌باشد که در دزفول در دوره حزب این اصطلاح زیاد به کار می‌رفت.  
۴۳- سال حزبی، ص ۶۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۱  
دکتر سپه‌موسی گوشه‌گیر و گروهی از اعضای حزب زحمتکشان  
عکس از: احمد نقره‌چی (عکاسی صبا در دزفول)

# دزفول شهر زحمتکشان درخشان ترین صفحات

تاریخ مبارزه زحمتکشان مان ایران و نام  
شود ثبت کرده است

# فردین

دزفول

از همان حرب و حمتکشان مان ایران - دزفول  
شبه ۴۸۸ و در روز ۱۳۴۲ - سال دوم  
جای تاریخ - حزب و حمتکشان - دزفول  
چاپ ایران گرامر شماره ۴ بریل

ز حمتکشان ایران متحده شوید

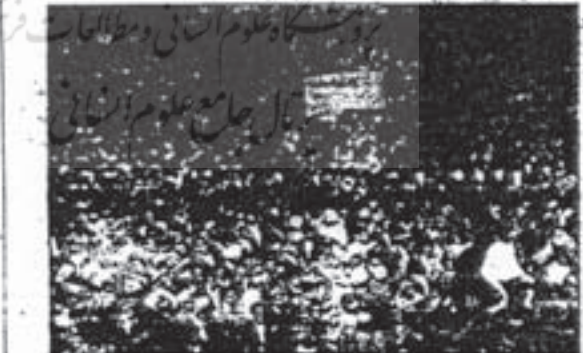
ساخت اعتبار وند - دستورالعمل گوناگون  
تحت نظر هیئت تحریر

## اخبار محلی

در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است

دزفول آزاد است  
در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است

مسئولین و نمایندگان حزب  
و حمتکشان مان ایران در دزفول  
از روز شروع فرودهای مبدع  
در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است



مطرف غربی دزفول در حال مبارزه با نیروهای دشمن

در تازی زبان خوزستان  
دزفول مبارزه با نیروهای دشمن  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است

دزفول آزاد است  
در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است  
و در این روزها که در هر دو طرف  
جبهه در حال تیراندازی است





تصویر شماره ۳

حاضرین در تصویر نشسته از سمت راست: سیدکاظم قطب، سیدعلی کمالی، آیت‌الله کاشانی و نوه‌های ایشان و فرزندان حجت‌الاسلام سیدمحمد کاشانی، عنایت‌الله‌خان طهماسبی  
ردیف دوم از سمت راست: محمدحسین سگوند، پسر غیائی، غلامحسین مستوفی، جعفر سهرابی، مرتضی حاجی‌شیخ، پیشکار سیدکاظم قطب، غیائی (میربان)، پسر غیائی، از اقوام غیائی، تاریخ غیائی، تارخ عکس ۱۳۳۱ ش در میهمانی معاون دختانیات.



اسم کشف کننده	کشف تلکرافت نیروی خوزستان
تاریخ وصول ۱۳۲	از
تاریخ کشف ماه ۱۳۲	شماره وارده ۲۲۶۸۲
 <p>وزارت جنگ</p> <p>ستاد ارتش</p> <p>دایره مرموزات</p>	
<p>رونوشت</p> <p>فوری</p>	

بعدالغرض ۰ در ساعت ۱۸ روز بیست و سوم جاری خبر رسید در دزدن سول  
 بین جبهه ملی و حزب زحمتکشان که دست به تظاهرات زده بودند  
 نژادی در گرفته و بلافاصله فرماندار محل از یادگان تقاضای اعزام یک گروهان  
 جهت کمک به شهرانی را مینماید پس از اعزام گروهان مژورکسیون امنیت  
 تشکیل و چون تظاهرات ادامه داشته کسبین تصمیم گرفته بایک گروهان شهرانی  
 تقویت کرد و فرمانده هنگ که برای اعزام گروهان درج از کسبین خارج مینمود  
 صدای شلیک سه تیر را شنید و بلافاصله در محل واقعه حاضر و مشاهده مینماید  
 د و نفر مقتول و یک نفر زخمی روی زمین افتاده اند پس از تحقیق معلوم میشود چون  
 مردم به یکی از افسران شهرانی احساس نفوذ اند افسر مذکور تحریک شده  
 و با اسلحه کمری تیراندازی میکند در نتیجه د و نفر مقتول و یک نفر زخمی میگردد چون  
 مردم به تعقیب افسر شهرانی هجوم آوردند وی فراری شده و به منزل آقای  
 دکتر عدل پناهنده میشود ولی مردم عصبانی در ب منزل را نگه داشته وارد میشوند

اسم کشف کننده	کشف تلگراف
تاریخ وصول	از
تاریخ کشف	شماره وارده

۱۳۲  
۱۳۲ ماه

**وزارت جنگ**  
ستاد ارتش  
دایره مرموزات

۲

واقسر شهرانی ناچار از نیست بامباقراری و نپناه شده است و بالاخره  
بر اثر کمک مامورین انتظامی از ساعت ۹ دیشب آرامش کاملی در دزفول برقرار و -  
اتفاق مجددی رخ نداده بعضی وصول خیرد شور داده شد معاون شهرانی  
اهواز. دادستان و سرهنگه طینسرا زینک از لشکر به دزفول عزیمت و جریان  
امور مورد رسیدگی کامل قرار دهند ضمناً "بظرف نیرو اولاً" چون عمل انتخابات  
در این منطقه شروع نگردیده است دزفول بر اثر تشکیل حزب زحمتکشان  
باتشنج دائمی مواجهه است و شهرانی نیز علت کمی عده آنطوریکه باید  
و شاید قادر به اداره امور نمیباشند اجازه داده شود حکومت نظامی  
در دزفول برقرار گردد و باسرتیب باستی یا سرتیب دیگری بسمت فرماندار نظامی  
تعین و اعزام و نتیجه را امریه ابلاغ فرمایند -

۳۰ / ۱۱ / ۲۴ سرلشکر میرجلالسی



اداره فرهنگ شهرستانها

شماره ۶۳۵۹۲/۱۹۱۵

تاریخ ۱۳۲۱-۱۲-۱۳ وزارت فرهنگ

قمیه - روزنامه

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره ۲۱۲ - ۱۱ / ۲۷ / ۱۳۰ اداره فرهنگ  
 در زغول راکه حاکی از هجوم عدّه ای به کارمندان و دانشآموزان  
 آن شهرستان میباشد که منتهی به مجروح شدن و نفرار آموزگاران  
 و یک نفر از دانشآموزان درخت گرد پند و برای عین استحضار بمجموعه  
 تقدیم می‌گردد مستدعی است امر به لازم جهت مامورین انتظامی  
 آن شهرستان صادر فرمائید .

پروفسور شاکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 وزیر فرهنگ - دکتر حسابی

دکتر مرتضی جامع علوم انسانی و مرکز محرمه

دکتر مرتضی جامع  
 ۱۳۲۱/۱۲/۱۳

ورود بدفتر محرمانه نکات و زهر  
 شماره ۶۳۵۹۲  
 ۱۳۲۱/۱۲/۱۳







وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت

اداره ..... دایره ..... شعبه .....


شماره	رونوشت گزارش شهربانی احوالفرجه ۳۱/۱/۱۶
	<p>آقای دکتر فرخی و چند نفر دیگر از افراد حزب زحمتکشان در طول ساعت ۱۸ روز ماه جاری بوسیله هفت دستگاری متهمین و متهمین های دیگر که در یکی از آنها بلند کونصب شده بالغ پسر ... نفر از افراد وابسته به حزب زحمتکشان در طول بعنوان اینکه سرکار سر هنگ شهروز فرمانده یادگان مرخصی رفته دیگر امنیت نخواهند داشت به احوال آمده و مدعی از اهالی احوال را در ورود جمع و در مقابل استانداری شروع به تظاهرات و سخنرانی نموده آقای فرخی با جناب آقای استانداری احوال را معصائب خود را اذعان نمودند . مرخصی فرمانده به یاد کسانی در طول ارتباطی با هالی ندارد جمعیت را متفرق کنید و الا تعقیب خواهید شد . تمنا تقاضای خود را بنویسید تا رسیدگی شود آقای فرخی جلواستانداری آمده و ضمن سخنرانی به جناب آقای استانداری احوال و نگهبانی از قبیل حال مختاری و غیره ادوات در ضمن پشتیبانی از دولت آقای دکتر مدتی در طولیها را با اتمام تعطیل و احتساب در تکرارخانه دعوت و پیمان بهانه که در طول امنیت نیست قصد تحریک دارند در صورتیکه تیمسار سررتیب مد پرمعاون لشکر بد طول رفته و مانند اما احتیاطی که مخصوصا " بعد از واقعه ( ۲۳ ) بهمن بعمل آمده اینگونه اظهارات هاری را تحقیقت و فقط برای پیش بردن مقاصد انتخاباتی باید دانست پس از خاتمه سخنرانی که بر اثر تند امیر لزم و اقدامات احتیاطی از طرف شهربانی و لشکر بدون حادثه " پایان یافته . آقایان فرخی و چند نفر دیگر از افراد حزب زحمتکشان در طول و احوال آقای پاسری که در حزب زحمتکشان است و از نزد جناب آقای فرماندار نیز پرفته شده و پس از مذاکرات زیاد مستدعیات خود را تنها " نوشته به آقایان ابلاغ شد که طبق دستور جناب آقای استانداری متفرق شوند تا نسبت به تقاضای نگین آنان رسیدگی بعمل آید تا ساعت ۲ مذاکرات ادامه مییابد همچنان که ای از آنها شب راد و محروم مقابل استانداری بیخوابه نمودند آقای پاسری و ده دیگر از افراد حزب زحمتکشان احوال آنها را به محلیات خود تشویق و اظهار امید استند چنانچه میخواستید نتیجه بگیریید بایستی تا آخر شب را بنمانید</p>

۹۸

سند شماره ۳

منبع: سازمان اسناد ملی ایران، سند شمه ۲۹۳۱۷۱۲۶۱





وزارت پست و تلگراف و تلفن  
 کتابخانه

شماره کتاب \_\_\_\_\_  
 کپی شده \_\_\_\_\_  
 سال ۱۳۳ \_\_\_\_\_

تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کدها	نوع	شماره
روز/ماه				تلگراف	

پسر غلامسین عیسی نهان سر محترم مکتوبین در تلگرافخانه  
 مکه خفا آقا بنی را بر فضل حضرت آیت الله العظمی و  
 فایز آرزوگت و در خواهم رسیده است  
 بر حق مرم که در تائین نظریه قانون آقا بن  
 اقدام مقتضی بنام آقا است و خط نظم و کلام  
 سر راه سلامت عیال خود است فرمود که خدا شکر است  
 عم بر خدای تعالی و در خفا و در  
 لادانه بصطنه

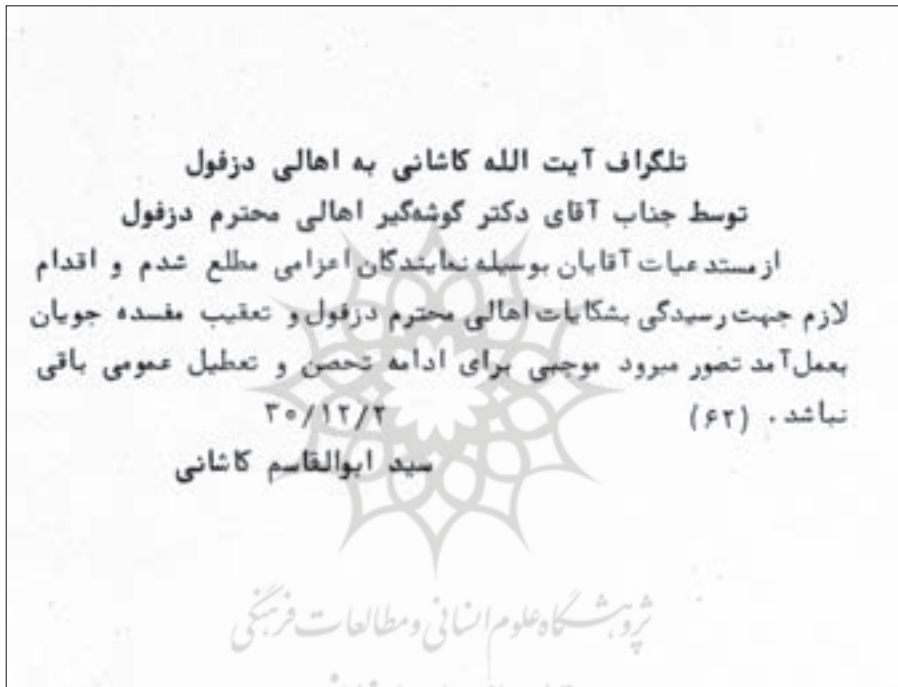
---

برای عظمت و سر بلندی ایران از اوراق قرضه ملی خبر بیداری کنید  
 با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید

سند شماره ۵

منبع: سازمان اسناد ملی ایران، سند شم ۲۹۳۳۹۷۸





سند شماره ۶

منبع: م. دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیامهای آیت‌الله کاشانی از مهرماه ۱۳۳۰ تا قیام ملی سی‌ام تیر، ج ۲، تهران، آشنا، ۱۳۶۱، ص ۱۳۶.

پیام آیت الله کاشانی باهالی محترم دزفول

خدمت جناب آقای سید کاظم قطب دامت تائیداته

پس از سلام و استعلام از وجود شریف زحمت می‌دهد شرحی جداگانه در باب لزوم اتحاد و اتفاق و یگانگی و برادری و برابری نوشته‌ام که البته از لحاظ برادران عزیز دزفولی خواهد گذشت مطلبی که لازم به تصدیق است آنکه سیاست استعماری انگلستان تصمیم گرفته که ملت و مملکت ایران را از طریق محاصره و فقر اقتصادی از پا درآورد ناچار در قبال این تصمیم ظالمانه و کمرشکن دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق هم تصمیم گرفته که ملت ایران را بهیاری طلبد و با کمک آنها برپا بایستد و بزانو در نیاید. از قرار مسموع در اثر اختلافات محلی و مشاجرات و منازعات داخلی از خرید قرضه ملی خودداری شده در صورتیکه این موضوع ربطی با اختلافات مردم با هم ندارد و مسئله حیات ملی و مملکتی است. انتظار دارم عفو طبقات را دعوت بخوید. اوراق قرضه ملی فرموده به کمک ملت و دولت بشتابید نتیجه موثر را هم اعلام فرمائید. (۶۵)

سید ابوالقاسم کاشانی

۱۰۲



پیش از یکسال است که مردم دزفول از مطالب چند نفر پشاکر صحنه عامل مستقیم  
 حرکت سابق نقد میبایند و توجه مقامات مسؤول را به عملیات شد ملی و مغرب آنها بیوسته  
 جلب کرده اند و همیشه گفته آمد که جنابان آنها دو پناه اسلحه روز بروز بیشتر میشود  
 و سبب انگاری و عدم اعتنا کسانی که لازم بود ملاحظه پیش بحال مردم فک کرده دزفول رسیدگی  
 کنند بر تخریب اینست چند نفر دزد پشاکر افزود تا در این اواخر که دکتر مصدق بلاعه  
 عربست نود روز روغن با اسلحه برخته بجان مردم محروم دزفول افتاده اند روزهای چهار  
 هفت ۱۷۳۱۳۱ و جمعه ۹ و ۳۱۳۳ قطب و طبیبی دستور حمله بپناه دکترو گوسفه گیر  
 و کشتن او میدهند تا شاید بتواند خودشان صدای نوع موسیقی را برای همیشه خاموش کنند  
 غافل از آنکه غفلتد شمال حافظ جان دکترو گوسفه گیر و مردم محروم دزفول بوده پروانه وار  
 گرد او میگردد دنبال همین تشایا که دکتر کوته گیر در اهواز برای دادخواهی بشنود  
 و رفع تشنج به استانهاری و لشکر از طرف مردم آمده است شب ۳۱۳۱۳۱ که عازم دزفول  
 بوده یکمسته ۶ نفری در جلده اهواز یک کلبه متری شوش یا مازندران موسی قطب بقصد کشتن  
 دکتر گوسفه گیر کین کرده اند و حسب کفایت دزفول اصلاح حاصل کرده با اصلاح ژاندارمری  
 دزفول و بهرامی ژاندارمها نیز شب بظرف شوش حرکت و هشر نفر را دستگیر و هوشیبه  
 اسلحه کمری با فشنگ ردو خنجر که ری دست آنها ساخت بیرنگام و نامن نوشته شده کشف  
 و تحویل ژاندارمری میدهند دو روز قبل از اینست نیز دو خانه جعفر سهرابی دو قبضه فشنگ  
 و مقداری فشنگ کشف گردید دنبال آن یک قبضه فشنگ از غلام رسیده خانی و یک قبضه  
 فشنگ از منزل طبیبی دست آمده است برادران خوزستانی با توجه به وضع حساس خوزستان  
 و کوشش مردم محروم برای حفظ آرامش بینه دشمنان ملت و استقلال ما تا چه اندازه سی  
 در ایجاد تشنج و قتل و کشتار میکنند ما بار دیگر از جناب آقای استاندار و فرماندهی  
 محترم لشکروسایر مقامات مسؤول انتظامی بجهت انتظار داریم که این افراد مسلح و خطاکار را  
 یکپار احوال خود برسانند تا اینست احوال و حقیقت را ادامه بدهند و نظم عمومی را برای  
 خاطر معنای کشور عزیز مهمل سازند -

یغماگران دزفول با اسلحه بجان مردم افتاده اند

پیش از یکسال است که مردم دزفول از مطالب چند نفر پشاکر صحنه عامل مستقیم  
 حرکت سابق نقد میبایند و توجه مقامات مسؤول را به عملیات شد ملی و مغرب آنها بیوسته  
 جلب کرده اند و همیشه گفته آمد که جنابان آنها دو پناه اسلحه روز بروز بیشتر میشود  
 و سبب انگاری و عدم اعتنا کسانی که لازم بود ملاحظه پیش بحال مردم فک کرده دزفول رسیدگی  
 کنند بر تخریب اینست چند نفر دزد پشاکر افزود تا در این اواخر که دکتر مصدق بلاعه  
 عربست نود روز روغن با اسلحه برخته بجان مردم محروم دزفول افتاده اند روزهای چهار  
 هفت ۱۷۳۱۳۱ و جمعه ۹ و ۳۱۳۳ قطب و طبیبی دستور حمله بپناه دکترو گوسفه گیر  
 و کشتن او میدهند تا شاید بتواند خودشان صدای نوع موسیقی را برای همیشه خاموش کنند  
 غافل از آنکه غفلتد شمال حافظ جان دکترو گوسفه گیر و مردم محروم دزفول بوده پروانه وار  
 گرد او میگردد دنبال همین تشایا که دکتر کوته گیر در اهواز برای دادخواهی بشنود  
 و رفع تشنج به استانهاری و لشکر از طرف مردم آمده است شب ۳۱۳۱۳۱ که عازم دزفول  
 بوده یکمسته ۶ نفری در جلده اهواز یک کلبه متری شوش یا مازندران موسی قطب بقصد کشتن  
 دکتر گوسفه گیر کین کرده اند و حسب کفایت دزفول اصلاح حاصل کرده با اصلاح ژاندارمری  
 دزفول و بهرامی ژاندارمها نیز شب بظرف شوش حرکت و هشر نفر را دستگیر و هوشیبه  
 اسلحه کمری با فشنگ ردو خنجر که ری دست آنها ساخت بیرنگام و نامن نوشته شده کشف  
 و تحویل ژاندارمری میدهند دو روز قبل از اینست نیز دو خانه جعفر سهرابی دو قبضه فشنگ  
 و مقداری فشنگ کشف گردید دنبال آن یک قبضه فشنگ از غلام رسیده خانی و یک قبضه  
 فشنگ از منزل طبیبی دست آمده است برادران خوزستانی با توجه به وضع حساس خوزستان  
 و کوشش مردم محروم برای حفظ آرامش بینه دشمنان ملت و استقلال ما تا چه اندازه سی  
 در ایجاد تشنج و قتل و کشتار میکنند ما بار دیگر از جناب آقای استاندار و فرماندهی  
 محترم لشکروسایر مقامات مسؤول انتظامی بجهت انتظار داریم که این افراد مسلح و خطاکار را  
 یکپار احوال خود برسانند تا اینست احوال و حقیقت را ادامه بدهند و نظم عمومی را برای  
 خاطر معنای کشور عزیز مهمل سازند -

دزفولیهای مقیم اهواز

۵۱۹۱۵۵  
 ۱۰/۴

بیتکین وزارت کشور  
 ۱۳۳۵/۴  
 ۱۳۳۵/۴/۹

سند شماره ۹

منبع: سازمان اسناد ملی ایران، سند شم ۲۹۳۳۹۷۸



وزارت کشور  
شهرانی کل کشور  
قسمت

اداره \_\_\_\_\_ داتره \_\_\_\_\_ شعبه \_\_\_\_\_

رونوشت \_\_\_\_\_ مورخه \_\_\_\_\_ شماره \_\_\_\_\_

شهرانی کل - اطلاعات پیور ۶۰۵ - ۳۱ / ۶ / ۲۱ - ۴۰ ک رونوشت شهرانی  
 اهواز ساعت ۱۰ روز ۳۱ / ۶ / ۲۳ جمعیت کدیری از افراد حزب زحمتکشان  
 از درب و پشت بام بمنزل عرضی رشیدیان حمله ورد رستمی ابنیه را ویران و  
 اثاثیه منزل را آنچه میتوانستند اند تاراج نموده و بقیه را شکسته و باره نموده  
 مقدار دق فرش و ریخته خواب و ملپوس از داخله منزل خارج نمودی خیابان آتش  
 زده اند محض اطلاع فرماندا رنظامی و رئیس شهرانی با عده ۴ سر بازو با سیان  
 در محل وقوع حاضر میگوم شد مشکد خانی نام رئیس صاحب منزل را شنیدند -  
 مجروح ۱ نفر از ماجراجویان د سیکر قبه متوازی شده باشخص مجروح به  
 شهرانی جلب از فرماندا ارتد قضا شده گروهان سر باز منظور ۰۰۰ شهرانی  
 بنسب اعزام دارند ماجراجویان عدت پیگرد فرار گرفته نتیجه به عرض خواهد  
 رسید بهنیده بنده محصل است افراد حزب با این عمل زشت خود را تکرار نمایند  
 سرگرد مشکین قلم ۳۱ / ۶ / ۲۳

۱۰۵



تاریخ ۲۰ / ۵ / ۱۳۳۰  
 شماره ۲۷۰۵۵ / ۱۸۹۰۳  
 پست  
 جناب آقای نخست وزیر

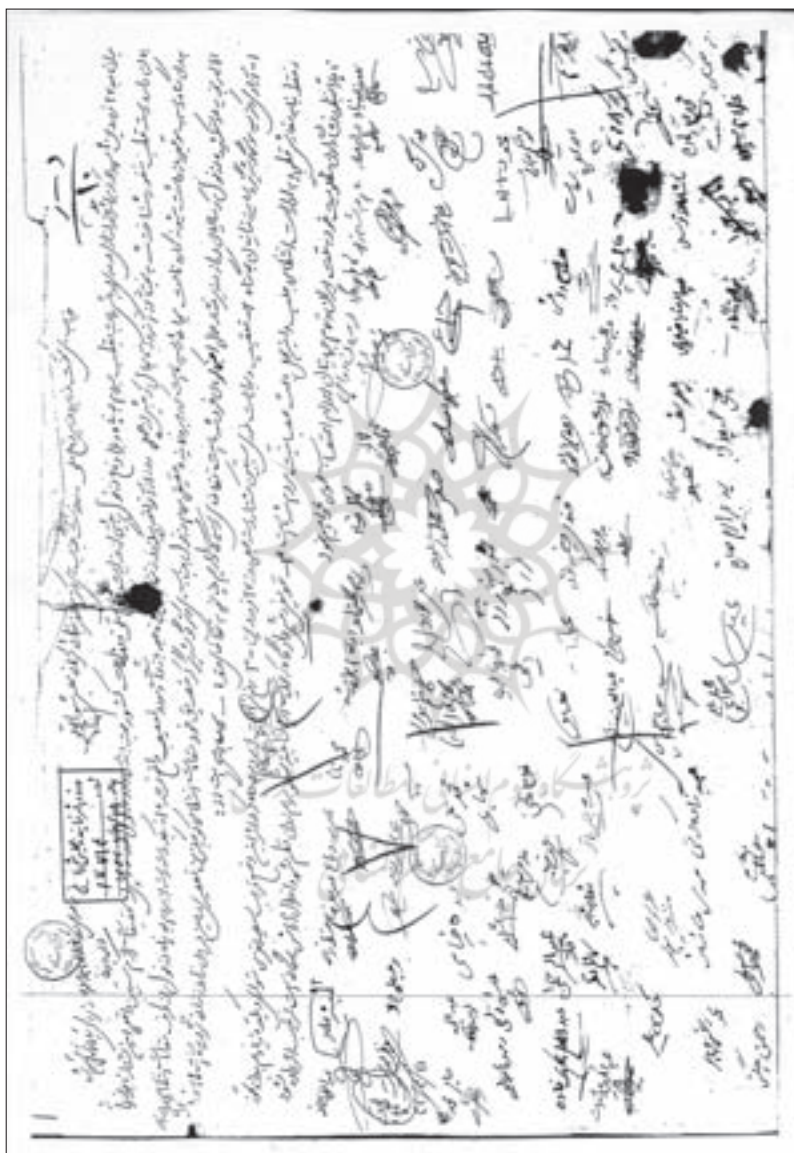
وزارت دادگستری  
 اداره دادسرای انستتاس قضات

۲۸ / ۳  
 ۲۳ / ۱۱۱۰

محلوظا بر طبق شماره ۱۷۸۰ / ۵ / ۱ / ۳۶۶ راجع بگزارش تلگرافی استاند ارخوزستان در باره اتای معاون زاده  
 در استان اشتم با مستشاراندا طریحتم میرساند - بر طبق گزارش رتیرده ادگستری محل وتعلیقاتی که بعمل  
 آمد بر روز ۷ تیریزدین سال ۱۳۳۰ عده ای از خوانین و اهالی همجنین اعدا حزب زحمتکشان در زفول هین امینگی بخشایر  
 جانیب از ای زولت وقت وبخالفقت با آن ترتیب عید هتد گنجین بزده و خورود در د سته وگفته شد ن چهار نفر و جیسروح  
 شد ن بسیار از اهالی وقارت خانهداود کاکین انبیا میگرد ن جراتم بن میرود در همان موقع میرود تعقیب واقع و جیل و سه  
 نفر از جمله اتا با نخلاحسین مستوفی رتیر فعلی انجمن شیوه زفول وسیه علی کمال بختوان محروک نیما شرحه مشیم  
 شنا خصی مشیوند بعد از انجام تحلیله تیریزدین در سال ۱۳۳۰ با عده ورا دمانا عید ادگه نانی ارجاع و در جلسه  
 اسفند ماه ۱۳۳۰ جلسه مقده ماش تشکیل وقتا ولین جلسه حاکم میرود روز ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۳۰ بین میگرد ن در جلسه مزبور  
 بعلت باقیگشتن احسان بعد ما و از مشیمون و معال یزد پگرتا نوی حاکم انجام شده وقت رسیدگی بر روز ۲۰ / ۱۰ /  
 ۱۳۳۰ عید و اتا و معان زاده ادستان استان بنفاسبت کثرت عده مشیمون و اشکالاتا بلاغ احسان بجانا نو با زده است  
 بود ن چند ساله بعضی از انبیا از ادگه اتا شای حد روز قرا با زده استدر باره شام مشیمین که عید و نغذ موجه حاکم نسر  
 شد مانه جمعا نند ادگه جناس با شوکتا اتای مادی و تیریزه ادگستری ن باره ۶ نفر از مشیمون قرا با زده است مادی و  
 نمود و اجیرا ن دستور و جیسوا زده است پانزد نفر از مشیمون جمله در ولت رتا میرود با لا میگرد ن بر او جیل و د سنگبری بقیه  
 هم ما مشیمون اتا نسی اکنون مشایق اندام میباشند با تحقیقات و د الکسانی که بعمل آمده اتا مامانای معما ن زاده -  
 در استان در این عید با توجه با شایا ولت نوی نامیرود و د و نادر گرفتن کمال ا سعیت موشی با زده است بیود ن چند ساله بعضی  
 از مشیمون و اینگمشیمون لوگیزی ایتا خبر اتعنا ن جلسه اد رس بود معناتد اتا نین با محمل بختون نیما نسی نیسوده  
 و د اسی گمشتمون تعلیمات نامی نامیرود با نشید از ا و سوزند و اولی ا ن اوری جم که د و گزارشرا استاند ارخوزستان در باره -  
 اتا و معان زاده هتد و بشایر تیریزدین اتا از سو تفاهم و د رتشدن اشکالاتا شقای و نشینها نسی بود بد اد رس جناس  
 بود و بر هر حال د ش با شکر در جلسه ۲۰ / ۱۰ / ۳۰ هم بعلتاشتمای اتا و وسلان شلمعی و کبلی اتا نخلاحسین مستوفی  
 و حاد نرشد ن و کبلی د پگرتا میرود و شلمعی نسی د ادگستری تشکیل شد بیو شیمی سید گی ناجا ن برای ۲۱ تیر ۳۶ تجدید شد و  
 و اخیرا راجع با د معان زاده استتا میرود گان شکا با عید پگرتی میرود مسجد د ایزد میرود ادگستری استان د مشیود اد هتد بسا  
 توجه با مشرا اساعن میرود زمینته یل تا مین بر طبق قانون اتا نسی اتا ملام بعمل آوریزد با اتا و معان زاده و نیز شفاها -  
 نذکر اتا نسی د اد هتد و نتیجا تم امی که بعمل شواهد آمد متعنا نها با مستشاراندا طریحتم اتا و معان زاده رسید \*

کلیل وزارت دادگستری  
 ۲۰۲۹۱۴  
 ۲۵ / ۵ / ۱۳۳۰

۱۰۶



سند شماره ۱۲

منبع: مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سند شمه ۴۷-۱۴-۱۳۳-۱۷